



مطبوعات جهان

مطبوعات الجزایر همپای انقلاب

عواطف عبدالرحمن

ترجمه: احمد فلاحیه

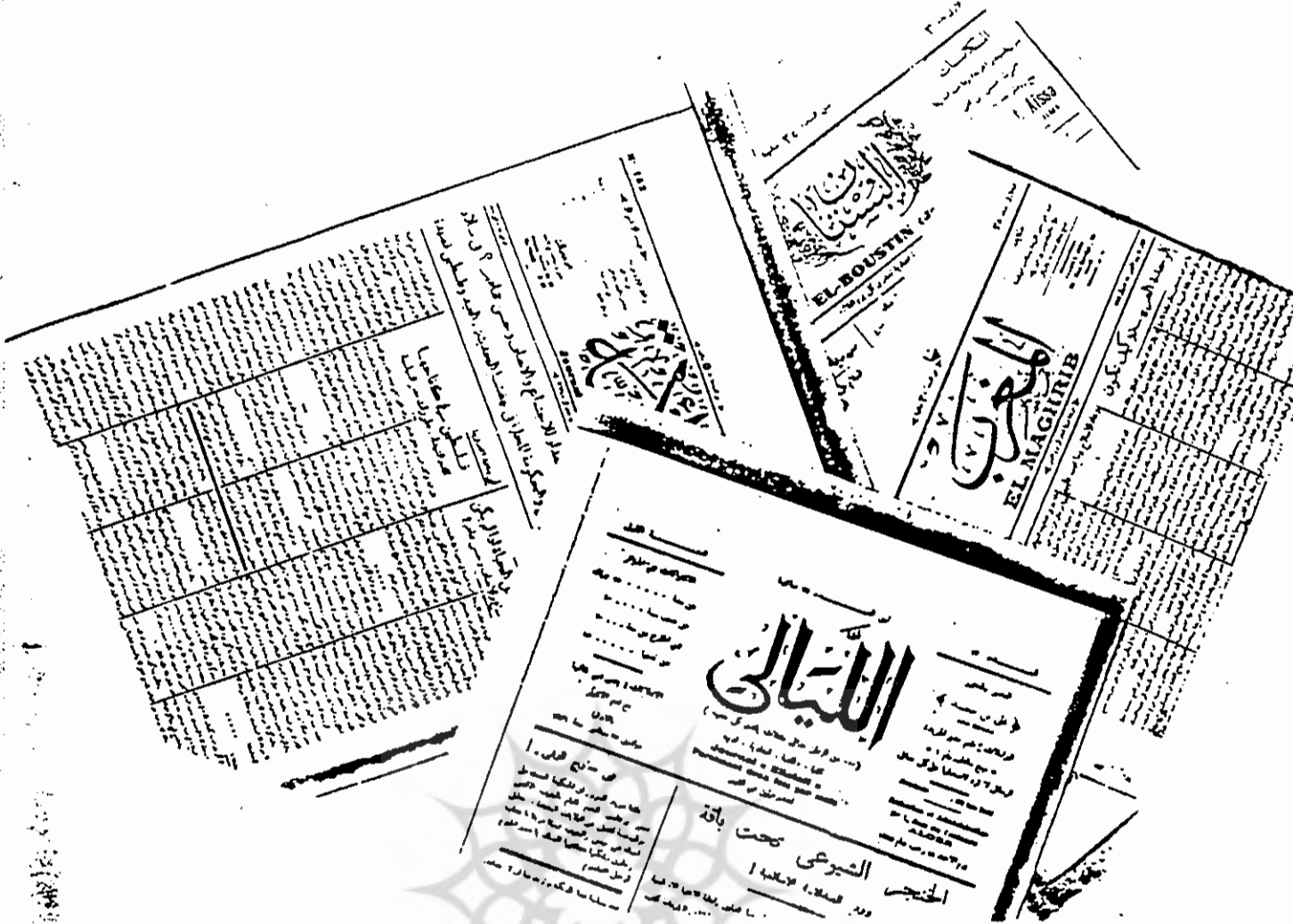
دوام بیاورد و خدمت‌های شایانی به استعمار فرانسه انجام دهد. همچنین در آشفته‌سازی افکار عمومی مردم الجزایر نقش خود را به خوبی ایفا کند. این آشفته‌سازی در دوره مقاومت اول مردم (۳) الجزایر بیشترین تأثیر را به جای گذاشت. در آن موقع، در واقع کسی این امکان را نداشت که مقاله‌ها و مطالب‌های آن را نقد کند و بدین وسیله از تأثیرات منفی آن در افکار عمومی بکاهد.

سومین نشریه استعماری الجزایر، «النشرة الرسمية لعقود الحكومة» نام داشت. شماره نخست آن در ۲۰ اکتبر ۱۸۳۴ منتشر شد. هدف از تأسیس آن، استمرار شیوه‌ای بود که در آن بخشنامه‌هایی که از طرف فرماندار کل یا مراجع ذیصلاح دیگر که هماهنگ کننده وضع اداری کشور بودند، به طور مجزا منتشر شود.

از آن به بعد، قوانین و بخشنامه‌های رسمی تا سال ۱۸۵۸ در این نشریه به همین ترتیب منتشر می‌شد. از سال ۱۸۵۸ به بعد، این نشریه به «النشرة الرسمية الجزایر والمستعمرات» تغییر نام داد و تا سال ۱۸۶۱ به همین نام منتشر شد. از آن تاریخ به بعد، تحت عنوان «النشرة الرسمية الحكومة العامة» منتشر شد که تا ۶۶ سال، به همین عنوان به انتشار

خارج شد و مسئولیت درج بخشنامه‌ها و قوانین ستاد فرماندهی به ویژه در استان الجزایر «استان مرکزی» را به عهده گرفت. اما دو استان «عنابه» و «وهران» در همان نشریه‌های عمومی، بخشنامه‌های ویژه خود را به چاپ می‌رساندند. این نشریه‌های عمومی هفت نام‌هایی بودند که به فرانسوی «*Le Moniteur Algérien*» خوانده می‌شدند و از بزرگ‌ترین و نیمه تجاوز نمی‌کردند. این نشریه تنها مسئولیت درج مقاله‌های سیاسی مربوط به دولت الجزایر را به عهده نداشت بلکه بخشنامه‌ها و آگهی‌های ستاد فرماندهی دولت اشغالگر را چاپ و منتشر می‌کرد. به آگهی‌ها و بخشنامه‌هایی که به مردم الجزایر وابسته بود، ستون ویژه‌ای را اختصاص داده بود. در این ستون، علاوه بر چنین بخشنامه‌هایی، مقاله‌هایی چاپ می‌شد که در واقع ترجمه‌ای از مقاله‌های نشریه‌های فرانسوی بود. این مقاله‌ها، از نظر نگارش، بسیار ضعیف و نارسا به نظر می‌رسید. محتوای آنها یا بیشتر در دفاع از اشغال الجزایر توسط نیروهای فرانسوی بود یا به تحقیر شخصیت‌های وطن پرست الجزایری می‌پرداخت. این مقاله‌ها اغلب در همان ستون ویژه تحت عنوان «مرفی الصحافه» منتشر می‌شد. این نشریه توانست بیش از ۵۰ سال

هنگامی که دولت فرانسه در سال ۱۸۳۰ یورش استعماری خود را به الجزایر آغاز کرد، علاقه‌مند بود که علاوه بر جنگ افزار و کارشناسان جنگی، خود را مردان علم و فرهنگ نیز مجهز سازد. هدف او این بود که بتواند نقشه‌های شوم خود را برای تخریب فرهنگ الجزایر و به زیر سلطه درآوردن آن، هموار کند و در اولین قدم بر آن شد که نشریه‌ای به عنوان بخشگویی رسمی استعمار فرانسه در میان مردم الجزایر داشته باشد. نخستین اقدام فرانسه در این مورد انتشار نشریه‌ای بود به نام «برید الجزایر» که یک مره سیاسی-تاریخی نظامی به شمار می‌رفت. شماره نخست آن، در اول ژوئیه ۱۸۳۰ و شماره دوم نشر آن (!) در ۵ ژوئیه ۱۸۳۰ منتشر شد (۱).
یدالجزایر نخستین تجربه مطبوعاتی نه تنها در الجزایر بلکه در تمامی شمال آفریقا به شمار می‌رفت. این تجربه از دیدگاه افکار عمومی در الجزایر بیچ بسیار مهمی را به دنبال داشت. بعد از تعطیل شدن نشریه برید الجزایر، نیروهای اشغالگر فرانسه برای پیاده‌رسانی بخشنامه‌ها و قوانین‌های لایحه‌ای به نشریه‌های عمومی (۲) روی آوردند. تا اینکه نشریه المرشد الجزایری در ژانویه سال ۱۸۳۲ (۱۲۱۱ ه. ش.) از چاپ



خود ادامه داد. این نشریه به صورت هفته نامه در سه بخش منتشر می شد.

بخش اول: قوانین و بخشنامه های رسمی.
بخش دوم: بخشنامه های وزارتی و مقاله های گوناگون.

بخش سوم: مقاله هایی که به زبان عربی نوشته شده بود.

در این میانه، نشریه المرشد الجزایری، با به پای این نشریه منتشر می شد تا اینکه نشریه «الشمس» با به عرصه ظهور گذاشت و توانست مقام بعدی را پس از این نشریه به دست آورد. نیروهای اشغالگر فرانسه به تدریج دریافتند که برای ابلاغ بخشنامه ها و قوانینی که مربوط به بومیان الجزایری می شود، باید نشریه ای به زبان عربی در اختیار داشته باشند تا بتوانند با مخاطبان خود بهتر سخن بگویند و از این رهگذر تأثیر بیشتری بر افکار عمومی برجای گذارند. اولین اقدامی که در این مورد صورت گرفت، در سال ۱۸۴۷ بود؛ یعنی هنگامی که ژنرال دیماس نشریه «الشمس» را در پایتخت الجزایر در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۸۴۷ منتشر کرد. در نخستین شماره آن آمده بود: «ماهی دوبار منتشر می شود

و شامل بخشنامه ها و فرمانهایی است که استانداران به کارمندان دولت ابلاغ می کنند.» این نشریه شامل بخشنامه های دولت فرانسه نیز می شد که مخاطبانشان، مردم مسلمان الجزایر بودند. در ادامه این توضیحات، آمده بود:

پادشاه لوئیس فیلیپ خواسته است که مقدار قابل توجهی مقاله های علمی و فرهنگی جهت ارتقاء سطح معلومات مسلمانان الجزایر نوشته شود.

«الشمس» در ۴ صفحه، قطع کوچک، به دو زبان عربی و فرانسوی منتشر می شد. قسمت عربی، برگردان متن فرانسوی نشریه بود که ترجمه ای ضعیف و نارسا به شمار می آمد. علت آن، همکاری افراد بی تجربه ای بود که به عنوان مترجم در آن نشریه، فعالیت می کردند. با این حال، چنین پیشامدی صرف نظر از نکات منفی موجود، دارای ویژگیهای مثبتی بود که بی نیاز از اشاره نیست.

۱- چنین اقدامی از سوی دولت فرانسه، دارای نمونه های مشابهی در کشورهای اسلامی بود. به عنوان مثال، در مصر نشریه «الوقایع المصریه» که توسط محمد علی در سال ۱۸۲۸ منتشر می شد و همچنین نشریه رسمی «المرشد العثماني» که

توسط سلطان محمود ثانی در سال ۱۸۳۱ منتشر می شد.

۲- این نشریه علاوه بر بخشنامه ها و فرمانهای دولتی شامل مقاله های علمی و فرهنگی نیز می شد. بنابر این، مطالب و مقاله های موجود صرفاً جهت تبلیغات استعماری به کار نمی رفت. این نشریه توانست در ارتقای علمی مسلمانان الجزایر سهم بسزایی داشته باشد. به طوری که توانست آنها را به مشکلات موجود زندگی نزدیکتر کند.

همچنین فن چاپ و روزنامه نگاری را که تا آن زمان برای آنان همچنان ناشناخته بود، به آنها شناساند. این، برای آن دسته از بومیان الجزایری که زبان فرانسوی را نمی دانستند، بسیار مفید به نظر می آید. بعد از «الشمس» هیچ نشریه عرب زبانی تا پایان قرن نوزدهم منتشر نشد. پس از آن بود که ادوارد دگلیین مستشرق فرانسوی نشریه «النصح» را در سال ۱۸۹۹ منتشر کرد که بیشتر از چند ماه دوام نیاورد. همچنین نشریه «الانجیل» که مؤس آن ویکتور ماروکان (مستشرق فرانسوی) در سال ۱۹۰۲ بود که آن هم به سرنوشت «النصح» دچار شد و بیش از چند ماه دوام نیاورد. این دو نشریه، تأثیر قابل توجهی در افکار عمومی الجزایر نداشتند.

عاجات مهاجرین اروپایی در الجزایر

تا سال ۱۸۴۸ نشریه‌های ویژه مهاجرین اروپایی در الجزایر کمیسیون تقریباً پائین داشت. اتفاقاتی سیاسی-جاری آن دوره توانست اثری بر آن بگذارد.

انتقالی که به رهبری امیر عبدالقادر در سال ۱۸۴۷ به وقوع پیوست.

اعلام جمهوری فرانسه (توسط فرانسوی‌خواهان فرانسوی) در ۲۳ فوریه ۱۸۴۸.

این دو اتفاق عمده، تأثیر خود را بر زندگی اقلیت مهاجران اروپایی که از نظر جمعیت و ژانرفرینی پیدا کرده بودند به جای گذارد. این رویدادها در مطبوعات این اقلیت نیز به طور مستقیم وارد

نشریه‌هایی که توسط مهاجران اروپایی در الجزایر منتشر می‌شد، نزدیک به دو هفته‌نامه و ماهنامه بود. مهاجران در شهر و فسطاط نشریه‌های مخصوص به خود داشتند. همچنین پاره‌ای از شهرکها و حتی روستاهای مهاجرنشین دارای نشریه‌های مخصوص بودند. این نشریه‌ها با توجه به امکانات نیروهای اروپایی که در اختیار داشتند، توانستند با انتقاد و ستایای استعمارگرایانه فرانسه، شکافی در فضا شکت‌ناپذیر آن ایجاد کنند.

این نشریه‌ها توانستند بازتاب این آزادی عمل را در گفتار رایج روشنفکران الجزایری به ویژه فرانسوی‌ها که در مدرسه‌های فرانسوی تحصیل کرده بودند، برگردانند؛ روشنفکرانی که اهمیت دفاع از خود و کشورشان را به پیروی از اقلیت اروپایی موجود در الجزایر دریافته بودند. از همین رویدادها بود که روشنفکران الجزایری به اهمیت این موضوعات به عنوان یک وسیله فصال جهت انتشار مشکلات داخلی و ابلاغ آن به مسئولان دولت آگاه شدند.

آغاز انتشار مطبوعات مسلمانان الجزایر

دوران پیش از جنگ جهانی اول، نماینده آغاز و اقمی مطبوعات الجزایری به شمار می‌رود. پیش از این که به تشریح این مهم پردازیم، نخست نگاهی خواهیم داشت به وضعیت روشنفکران الجزایری در فاصله زمانی بین نیمه دوم قرن نوزدهم تا آغاز قرن بیستم. نیاز به یادآوری که روشنفکران الجزایری اغلب فارغ التحصیلان آن مدارس فرانسوی بودند که در سال ۱۸۳۰ در الجزایر تأسیس شدند.

از طرف دیگر، افرادی که بهر دوزبان عربی و فرانسوی آشنا بودند، اغلب به عنوان نویسنده و مترجم در مطبوعات دوزبانه مثل البشیر والاختیار کار می‌کردند.

از اتفاقاتی سیاسی مهمی که در بیناری روشنفکران الجزایری تأثیر بسزایی داشت، ورود هیئت کمیسیون پارلمان به ریاست جولیس فری به الجزایر برای رسیدگی به مسئله الجزایر در سال ۱۸۸۱ بود. این پیشامد، جو فکری بی سابقه‌ای را به وجود آورد. زیرا در جلسه‌های متعددی که این هیئت داشت، مشخص شد که روشنفکران الجزایری می‌توانند به راحتی از مسئله الجزایر دفاع کنند. و بدین ترتیب این موقعیت برای آنها پیش آمد که بتوانند نظرها و پیشنهادهاشان را به سازمانهای رسمی فرانسه برسانند.

عامل دیگری که در بیداری روشنفکران الجزایری سهم به‌سزایی داشت، آشنایی و به هم خوردگی وضعیت سیاسی-اقتصادی مسلمانان الجزایر در دورانی بود که ثروتهای طبیعی کشور زیر نفوذ مهاجران اروپایی مقیم الجزایر قرار داشت.

در فاصله ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۱ دو روزنامه الجزایری وارد عرصه مطبوعات داخلی شدند.

۱- روزنامه «المغرب» که در پایتخت دوبار در هفته منتشر می‌شد (۱۹۰۳-۱۹۱۳). شیخ

محمد عبده در مورد آن گفته بود: «صرف نظر از کاستیها، همانند چراغی فرا راه آنهاست، آنانی که محروم از نشریه‌ای بودند که با نامشان و از زبانشان سخن بگویند».

۲- روزنامه «الصباح» که استاد فخار آن را در شهر وهران منتشر می‌کرد (۱۹۰۴-۱۹۰۵) این روزنامه به دوزبان عربی و فرانسوی منتشر می‌شد.



در دوره قبل از جنگ جهانی اول، یعنی از ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴، چهار نشریه دوزبانه دیگر که منعکس کننده رأی و نظر مردم الجزایر بودند، نیز منتشر شدند.

۱- روزنامه «الاسلام» که در پایتخت منتشر می‌شد. سردبیر آن صادق دندن بود و با همکاری هزالین القلال به چاپ می‌رسید. این روزنامه ابتدا دوزبانه بود (۱۹۱۲-۱۹۱۳) سپس تا سال ۱۹۱۴ فقط به زبان فرانسوی منتشر شد.

۲- هفته‌نامه «الحق الوهرانی» در شهر وهران به زبان عربی منتشر می‌شد (۱۹۱۱-۱۹۱۲).

۳- نشریه «ذوالفقار یا سیف الاسلام» (۴) که در پایتخت منتشر می‌شد و از نظر سیاسی عقاید اصلاح طلبانه محمد عبده را دنبال می‌کرد (۱۹۱۳-۱۹۱۴).

۴- ماهنامه «القاروق» که در پایتخت از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۵ چاپ می‌شد. سپس بایک وقفه بلنمدت دوباره از ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱ منتشر شد. سردبیر آن، «عمرین قدور» از روزنامه نگاران زبردست آن وقت بود.



در توضیح علل پیدایش این چند نشریه که از ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ منتشر می‌شدند، باید گفت: جامعه الجزایر در جبهه جهانی آشفته‌ای روزگاری گذراند که موجب بروز جنگ جهانی اول شد. علاوه بر آن، اوضاع داخلی الجزایر نیز اثرهایی بر شیوه تفکر مردم

کتابخانه ملی و اسنادی ایران
کتاب: ...
شماره: ...
تاریخ: ...

کتابخانه ملی و اسنادی ایران
کتاب: ...
شماره: ...
تاریخ: ...

جای گذاشت که برمی شمریم:

۱- نگرانی حاصل از اجباری شدن خدمت نظام یغ که موجب هجرت خانواده‌های تلمسانی شد، از ناحیه شرق شد.

۲- دیداری که محمد عبده در سال ۱۹۰۲ از الجزایر کرد و موجب بازپروری و تحول ایده‌رسمی-اسلامی «در الجزایر شد. به دنبال آن برش اصلاح طلبانه‌ای پدیدار شد که محمد عبده را راه انداخته بود.

۳- پیدایش مطبوعات رسمی به زبان عربی همت تبلیغات دولت فرانسه که خطاب به مردم جزایر منتشر می‌شد و برای قانع کردن آنها جهت رکت جستن در جنگ آن هم دوشادوش با فرانسه یغ می‌کرد. در این زمینه می‌توان به نشریه «فرنا سلامیه» اشاره کرد که در پایتخت الجزایر بین الهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴ منتشر می‌شد.

شروع جنگ جهانی اول و اتفاقاتی بعدی آن، رد شدن ترکیه در جنگ بر علیه همبمانان، سادادهای خاورمیانه که منجر به بروز انقلاب سرب در سال ۱۹۱۶ شد و آغاز حرکت سبنالیستی در تونس، از عواملی هستند که در ساد سازی افکار عمومی نقش بسزایی داشتند و موجب آن شدند که افکار عمومی توجه و تمایل شتری نسبت به مطبوعات داخلی و خارجی داشته شد.

ممکن نبود که الجزایر خود را از تغییرات دگرگونیهای سیاسی که جنگ جهانی اول به سبب آورده بود، برکنار نگاه دارد. به ویژه تأثیری که جنگ بر جهان عرب داشت، الجزایر را می‌داشت که با انواع وسایل، خود را در معرض یار و گزارشهای جنگ قرار دهد. بر همین اساس، نشریه دیگری که پیدایششان متأثر از وضع سیاسی-اجتماعی جنگ بود. پا به عرصه مطبوعات قاشتند:

۱- روزنامه «اخبار الحرب» که دولت فرانسه آن را در پایتخت الجزایر منتشر می‌کرد (۱۹۱۴-۱۹۱۸). این روزنامه به زبان عربی و شامل اخبار و مسایل جنگ بوده است.

۲- مجله «المغرب العربي» که از ژنرف و به سردبیری «محمد باش حسیا التونسی» منتشر می‌شد و بیشتر به مسایل کشورهای مراکش تونس و الجزایر می‌پرداخت.

۳- نشریه «الاسلام» که نماینده جنبش «حرکت الجزایر الفتاة» (۶) بود که نخستین شماره آن در سال ۱۹۱۹ چاپ شد. این نشریه بعدها تحت عنوان «الاقدم» و «الراشدی» نیز منتشر شد. این نشریه، زبان حال مسلمانان شمال آفریقا بود. (۷)

دگرگونی مطبوعات الجزایر (۱۹۱۹-۱۹۳۹)

پس از پایان جنگ جهانی اول. افکار عمومی الجزایر با این مشکلات و نارساییهای ناشی از جنگ، روبرو شد:

۱- سرنوشت جهان عرب و رابطه باترکیه بویژه، پس از شکست امپراطوری عثمانی.

۲- تحمیل قیمیت بریتانیا و فرانسه بر عراق، فلسطین و سوریه.

۳- وعده‌هایی که فرانسه به الجزایرها در مورد شرکت جستن در جنگ داده بود و شور و هیجانی که جوانان الجزایری در پاسخگویی به جنگ ابراز داشتند. همچنین اشتیاقی که برای گرفتن حقوق حقه و اداره امور کشور به دست خود، در آنها موج می‌زد، اجازه نمی‌داد که خود را از متن رخدادهای سیاسی کنار بکشند و به نظارت بر اوضاعی که جنگ آفریده بود بسنده کنند. بر همین روال، افکار عمومی الجزایر نیز نمی‌توانست به مطبوعات رسمی یا نشریه‌هایی که مهاجران اروپایی در الجزایر منتشر می‌کردند، بسنده کند. بنابراین لازم بود که

نشریه‌هایی در اختیار مردم باشد که بتواند آراء و نظرات آراء آنها را بازتاب دهد.

بر این اساس بود که روشنفکران الجزایری که بیشتر فارغ التحصیلان آموزشگاههای فرانسوی و دانشگاه «جامع الزيتونة» تونس بودند، بر آن شدند که یک دگرگونی بنیادین در مطبوعات الجزایر به وجود آورند بویژه در دورانی که متأثر از تنوع جریانهای سیاسی، جهت گیریهای اجتماعی و روشهای گوناگون تبلیغاتی بود، این شرایط از دوجریان فکری ناشی می‌شد.

۱- جریان فکری مردم الجزایر که دارای فرهنگ بومی مخصوص به خود بودند.

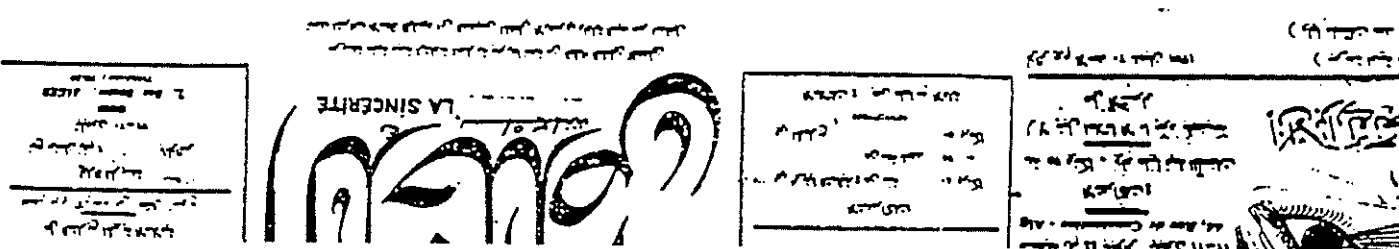
۲- جریان فکری الجزایریهایی که تحت تأثیر و تربیت فرهنگ فرانسوی رشد کرده بودند.

رویه‌م رفته، مطبوعات الجزایر از نظر کیفی دارای سطحی پایین، نگارشی ضعیف و سرشار از غلطهای املائی و دستوری بودند. هیچ نشریه‌ای از این کامتیا در امان نبود، مگر نشریه‌هایی که «جمعیة العلماء» (۸) منتشر می‌کردند که از دقت و عنایت بی سابقه‌ای برخوردار بودند.

یکی دیگر از خصوصیات مطبوعات الجزایر، عدم انتشار به موقع آنها بود؛ به طوری که بعضی وقتها مدت توقف آن از مدت انتشار آن بیشتر می‌شد! مضوعات به موجب فشاری که از جانب دولت فرانسه وارد می‌آمد، مدام در معرض توقیف و توقف قرار می‌گرفتند. البته مشکلات مادی هم در این مورد بی تأثیر نبودند.

یکی از علت‌های مهم دیگر، عدم وابستگی آنها به سازمان یا جمعیت بخصوصی بود که از آنها حمایت کند. مطبوعات الجزایری، چه عربی و چه فرانسوی، بیشتر زاینده طرحهای شخصی بودند. مثلاً فردی تصمیم می‌گرفت نشریه‌ای را راه بیندازد. نخست چند همکار به عنوان هیئت تحریریه گرد می‌آورد، آن گاه مکانی را اجاره می‌کرد. پس از

LA SINCERITE



LA SINCERITE

۱۰۰۰	۲۰۰۰	۳۰۰۰	۴۰۰۰	۵۰۰۰
۶۰۰۰	۷۰۰۰	۸۰۰۰	۹۰۰۰	۱۰۰۰۰

۱۰۰۰۰

ن، پروانه کار را به چنگ می آورد سپس فعالیت خود را شروع می کرد.

بین - نهی ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹ در مجموع ۶۰ نشریه منتشر می شد. از این تعداد، تنها ۱۲ نشریه جایی در مردم و فرهنگ مردم داشتند و بقیه بدون به جا گذاردن اثر قابل توجهی، پس از مدتی از صحنه مطبوعات کنار رفتند.

مطبوعات فرانسوی زبان الجزایر

نسی توان به طور مفصل از جریانهایی که بر مطبوعات فرانسوی زبان الجزایر رفته است، سخن به میان آورد. به ویژه دوره پس از جنگ جهانی اول که متأثر از جریانهای فکری امیر خالد، نوید میر عبدالقادر بود.

از علتهای مؤثر دیگر، فعالیت روشنفکران جوانی بود که تحت عنوان «نخبة الشباب الجزایری» به روشنگری افکار عمومی مشغول بودند. بین انجمن، حرکت فکری جوانان روشنفکر رابعد از عبید امیر عبدالقادر در سال ۱۹۲۳ به عهده گرفت. به عنوان یک هفته سیاسی برای روشنفکران جوان الجزایری شناخته شد. در اینجا مهمترین نشریه های فرانسوی زبان الجزایری را که در سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹ منتشر می شد نام می بریم:

نام برد. «جوقلاری» از الجزایریهای فرانسوی الاصلی بود که بعدها اسلام آورد.

۶- «صوت الشعب»: این هفته نامه در پایتخت الجزایر بین سالهای ۱۹۲۳-۱۹۳۶ منتشر شد و از حقوق مسلمانان الجزایر دفاع می کرد. شمار آن چنین بود: نشریه صدای مردم، نشریه ای ملی، نشریه مردم برای مردم. سردبیر آن، «محمد الشریف جوجلار» بود که به واسطه سطح فرهنگی، منحصی، علمی و ادبی بسیار والا، سرآمد روزنامه نگاران وقت بود.

۷- «صوت الاهالی»: در قسطنطیه بین سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹ منتشر می شد. هدف آن، دفاع از مردم الجزایر بود. این نشریه از طرف معلمان الجزایری (با فرهنگ و تعلیم و تربیت فرانسوی) (۹) منتشر می شد. این نشریه موافق سیاست ادغام بود (۱۰) و پشتتازی تبلیغات و ابست به این ایده را در اختیار داشت.

۸- «صدی الاهالی»: در قسطنطیه منتشر می شد (۱۹۳۳ تا ۱۹۳۴). هدف آن دفاع از مسلمانان الجزایر بود.

۹- الوفاق الفرسی الجزایری: این هفته نامه در قسطنطیه منتشر می شد (۱۹۳۴ تا ۱۹۳۹) و هدف آن،

باں به صورت هفته نامه و بیشتر شامل مطالب سیاسی، ادبی و هنری بود و از منافع مردم الجزایر و فرانسویون مقب الجزایر دفاع می کرد. شمار این نشریه چنین بود: «نشریه ای آزاد برای آزادگان».

۲- «صوت البسطاء»: به صورت هر دو هفته یک باں در پایتخت الجزایر منتشر می شد (۱۹۲۲-۱۹۳۹). این نشریه سخنگوی انجمن معلمان الجزایر بود و فعالیت آن در چارچوب ارتقای فکری الجزایریهای بود که متأثر از فرهنگ فرانسوی موجود در الجزایر بودند. این نشریه به حزب بخصوصی وابسته نبود.

۳- «التقدم»: در پایتخت الجزایر بین سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۱ به صورت هر دو هفته یک باں منتشر می شد. هدف آن اتحاد بین مسلمانان الجزایر و فرانسویان مقیم آن بود.

۴- «الدفاع»: این هفته نامه در «سان اوجین» بین سالهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۹ منتشر می شد. هدف آن، دفاع از منافع و حقوق مسلمانان الجزایری بود. سردبیر آن



دفاع از منافع و حقوق مسلمانان الجزایر بود. مؤس آن، دکترین جلول بود. این هفته نامه نخست در سال ۱۹۳۶ به عنوان نشریه رسمی انجمن «اتحاد النخبة المسلمة» شمه قسطنطیه شد. از نویسندگان بارز این نشریه می توان فرحت عباس و عزیز کبوس را نام برد.

۱۰- «الحقیقة»: این هفته نامه در بجایه منتشر می شد (۱۹۳۴) و عنوان دیگر آن «المعری الصدیق» (۱۱) بود. شمار آن «فرانسه برای فرانسه» بود. نشر آن را انجمن مسلمانان فرانسه به عهده داشت.

«امین الماموسی» از اعضای «جمیة العلماء» بود. این نشریه سخنگوی جمیة العلماء بود که در آن زمان «شیخ عبدالحمید بن بادیس» رهبری آن رابه عهده داشت.

از میان هیئت تحریریه این نشریه می توان «فرحت عباس» از نویسندگان موفق آن دوره را نام برد.

۵- «العدالة»: نشریه ای که در «سان اوجین» بین سالهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۵ به صورت هر دو هفته یک باں منتشر می شد. هدف آن، دفاع از حقوق مسلمانان الجزایر بود. از هیئت تحریریه آن می توان «محمد بن حوره» و «محمد الشریف جوقلاری» را

۱- «الاقدم»: سریه امیر خالد نوید امیر عبدالقادر پیروانش به حساب می آمد و در پایتخت الجزایر منتشر می شد (۱۹۱۹ تا ۱۹۲۳). این نشریه بعدها به و عنوان دیگر، یعنی «الاسلام» و «المربدی» تغییر م داد.

نشریه «الاقدم» زبان حال مسلمانان شمال افریقا بود. این نشریه در سال ۱۹۲۵ تحت عنوان «الاقدم» دوباره شروع به فعالیت کرد. منتهی این

۱- الجزایر (۱۹۲۵ تا ۱۹۳۶) که به سردبیری سید میری منتشر می شد.

۲- نوده که ویلی شماره آن در ۱۹۳۸ منتشر شد. این نشریه سواى نشریه های اصلاح طلبانه ای است که «ابوالقظان» روزنامه نگار معروف آنها منتشر می کرد. این نشریه ها به دنبال همدیگر تحت عناوین و نامهای مختلف (از سال ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۷) منتشر می شد که عبارتند از: الوادی، السبزاب، المغرب، النسب الامه، السبزاب (۱۹۳۷)، الفجر (۱۹۳۱)، الحبة ۱۹، عق (۱۲) که در قسطنطین منتشر می شد (۱۹۳۴)، بابت (۱۹۳۴ تا ۱۹۳۵) والسیدان (۱۹۳۷).

در این میان تعدادی نشریه ها فکاهی و ریکاتور نیز منتشر می شد که از زبان ولجه محلی می جتند. مثل الرماد که در الجزایر و در سال ۱۹۳۳ منتشر می شد بیشتر مطالبهای آن را شاعر بومی «اخضر عیبه» تهیه می کرد. از مجله های فکاهی دیگر می توان الحمارس (۱۹۲۳) الطیالی (۱۹۳۵) را نام برد.

پایداری مطبوعات عربی زبان الجزایر صرفاً سر از موج مبارزه طلبانه ای که از جانب دولت وابسته رهبری می شد، وابسته به خود روزنامه نگاران الجزایری بود که در برابر موانع و مشکلاتی که نیروهای فرانسه در پیش روی آنها نهاده بود همچنان ایستادگی خود را حفظ می کردند. ارزشترین چهره در این مورد، ابوالقظان سردبیر نشریه های الوادی والسبزاب بود.

... جهت گیری افکار عمومی الجزایر در دهه سی، مابعد برخورد های شدید و جریانات فکری بین فرانسه هواداران روشنفکر الجزایری آن در برابر صلاح طلبان و طرفداران ناسیونالیست آنها که در زیر سیاست فرانسه به شدت مبارزه می کردند، بود.

پایداری مطبوعات عربی زبان الجزایر... وابسته به خود روزنامه نگاران الجزایری بود که در برابر موانع و مشکلاتی که نیروهای فرانسه در پیش روی آنها نهاده بود، همچنان ایستادگی خود را حفظ کردند.

ناسیونالیستهای الجزایری تمام نیروهای خود را برای بازسازی شخصیت ملی و بومی خود به کار می بردند. از جمله اقدامهای آنها توسعه آموزش زبان و فرهنگ عربی دنبال آن راه انداختن مصبوعات به زبان عربی بود تا از این رهگدن نسلی نوین از مردمی که متکی به فرهنگ ملی و اسلامی خود بودند، بوجود آورند. از اینجاست که انگیزه اصلی ایجاد مطبوعات ملی در الجزایر روشن می شود. رواج زبان عربی به عنوان زبانی زنده و وسیله ای برای دگرگونی فرهنگ و تمدن مردمی به کار می رفت که هیچ گاه نتوانسته بودند خود را از طریق آموزش در مدارس فرانسوی به درجه ای از ارتقاء فکری و فرهنگی دلخواه برسانند. عامل دیگری که در شکوفایی مطبوعات عربی زبان الجزایر نقش داشت، ورود نشریه های کشورهای عربی به این سرزمین بود. از میان مطبوعات کشورهای عربی تونس، مصر و سوریه بیشترین تأثیر را داشتند. البته نیروهای فرانسوی سومی خود را در جلوگیری از ورود این نشریه ها به الجزایر، به کار می بردند. با این حال، همان کمیت محدود، تأثیری صریح در افکار عمومی مردم به جای می گذاشت. سیر این تأثیر بدین صورت بود که سردبیران الجزایری از این مطبوعات در نشریه های خود سود می جستند و حاصل این سود به صورت مطبوعات داخلی که به اندازه یافت می شد به مردم بازگردانده می شد.

از نشریه های مهم کشورهای عربی که تأثیر بسزایی بر مطبوعات عربی زبان الجزایر نهادند می توان موارد زیر را نام برد.

- ۱- الجزیره، الایام وجامعة العربیه (از سوریه).
 - ۲- المرفان، البیان، المقطم، الجهاد، التقوی، المنار، نور الاسلام و الرمانه (از مصر).
 - ۳- الهلایه- الاخوة و صدی الاسلام (از بغداد).
 - ۴- الایمان (از یمن).
- موارد بر شمرده فوق، سواى نشریه های تونس و نشریه های عرب زبانی هستند که در قاره آمریکا منتشر می شدند.

از این نشریه ها یکی نشریه البیان که در نیویورک و دیگری «القلم الحیددی» است که در

سان پائولو واقع در آمریکای جنوبی منتشر می شد. نشریه الامه العربیه نیز توانست بر این جریان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. این نشریه فرانسوی زبان در سال ۱۹۳۰، به ریاست شکیب ارسلان در ژنو منتشر می شد. بنیان گذاران آن، هیئت نمابندگی سوریه ولبنان بودند.

بی شک نشریه های عربی زبان نقش مهمی در دگرگون سازی و افزایش سطح فرهنگی مطبوعات الجزایر که در دهه ۲۰ از کیفیتی ضعیف رنج می برد، داشتند.

علیرغم پایداری نشریه های عرب زبان الجزایر در برابر موانعی که از سوی استعمارگران پیش پای آنها نهاده می شد، فرانسه توانست از تأثیر مثبت این نشریه های ملی در ایجاد توازن دلخواه با استفاده از تفریقات و تأثیرات روزافزونی که به وسیله مطبوعات وابسته ایجاد می کرد، بکاهد. از آن گذشته نشریه های عرب زبان الجزایر از آزادی عمل و گفتاری که نشریه های وابسته به دولت فرانسه داشتند، به طور یکسان برخوردار نبودند. در این مورد، جان میزانت (۱۳) چنین اظهار نظر می کند: «با اینکه به نقش فرهنگی نشریه های عربی زبان الجزایر آگاهیم ولی مایه تأسف است که می بینیم پاره ای از نشریه ها از وظیفه اصلی خود عدول کرده، مطلبهایی را به چاپ می رسانند که موجب تردید نسبت به «خط مشی» نشریه می شود. آنچه موجب تردید نسبت به خط مشی یک نشریه می شود، آن است که کینه ژوادی و مذهبی را دوباره شدت ببخشند و مایه سوء تفاهم مردمی بومی و مهاجران اروپایی در الجزایر شود» (۱۴)

این گوشه ای از موضع گیریهای دولت فرانسه در برابر مطبوعات ملی عرب زبان الجزایر است. این توضیحات به ما کمک می کند که بدانیم شرایط و مقتضیات آن زمانه را بهتر درک کنیم. هر نشریه عرب زبان در آن شرایط سومی می کرد محدودیت

Journal "EL-OUMA"

مشاكل الحياة اذا لم يكن امتداد للاجتماع والادب

لا بد من اخبار مختصرة ونحن والحكومة للحياة

فلنسه انذاه نصح ونظير نصح

متى تعالج مشاكل الحياة اذا لم يكن امتداد للاجتماع والادب

خود را از حیضه فشار دولت فرانسه به این سو آن سو بکشد تا بتواند مدت بیشتری به انتشار خود ادامه دهد. آن هم در شرایطی که دولت فرانسه می‌توانست با یک بختنامه ساده، نشریه‌ای را به بهانه برهه ریزی امنیت عمومی برای همیشه تعقیب کند.

از ویژگی‌های دیگر مطبوعات عربی زبان الجزایر، پناه بردن به شیوه‌های کلاسیک نگارشی بود که متأثر از بیان رسمی و ادبی و در واقع، «غیررایج» در بین مردم بود و این باعث می‌شد که نشریه‌های عربی زبان در ابتدا خوانندگان زیادی سوی آنها بی که در مدارس مذهبی درس خوانده بودند، پیدا نکند.

علاوه بر مشکلاتی که مطبوعات الجزایر از جانب نیروهای استعمارگر در قاصه بین دو جنگ جهانی متحمل می‌شد، مشکلات دیگری نیز وجود داشت که ناشی از نارسایی‌های داخلی بود مثلاً پایین بودن سطح نگارش نشریه، یکسواخت بودن مطالب، ابتدایی بودن کیفیت حروفچینی و ضعیف بودن مدل‌های صفحه‌آرایی، از جمله نکته‌های منفی موجودی بود که در نهایت موجب عدم موفقیت یک نشریه می‌شد. برخی اوقات نیز نشریه‌ها با از زوال همیشگی فراتر می‌گذاشتند که منجر به برهم ریزی نسای نشریه می‌شد. به عنوان مثال حجم آگهی‌های درج شده در پاره‌ای موارد از کل مطالب چاپ شده بیشتر می‌شد و چنین به نظر می‌رسید که نشریه تبدیل به یک «آگهی‌نامه» شده است چنین حالتی شامل پاره‌ای از مطبوعات فرانسوی زبان الجزایر نیز می‌شد. در نهایت می‌توان چنین گفت که این گونه مطبوعات در نمایاندن سیمای زندگی مردم و اجتماع ناتوان بودند.

عصمه فعالیت نشریه‌های فرانسوی زبان و عرب زبان الجزایر، چاپ مقاله‌ها و انعکاس نظرهای مردم بوده است و کمتر به دنبال خبر، گزارش و رخدادهای سیاسی بودند. دلیل آن نیز بسیار روشن است. نشریه‌های پیش گفته از امکانات مادی، پشتیبانی

و اتکاء به سازمان یا حزب بخصوص در مدت انتشار محروم بودند. در حالی که نشریه‌های وابسته به دولت فرانسه از تمام این امتیازها برخوردار بودند.

با توجه به همین شرایط بود که نشریه‌های الجزایری به ناچار بیشتر فعالیت خود را بر دو مسأله قوامی دادند.

الف - پرداختن به عقاید و نظرات مردم و انعکاس آن در چارچوب اوضاع سیاسی موجود.

ب - ابلاغ آراء و نظرات مردم الجزایری به مردم و دولت فرانسه.

مطبوعات الجزایر چه عربی زبان چه فرانسوی زبان با وجود مسایل مشترکی که در برابر آرمانها و مشکلات ملت الجزایر داشتند و با توجه به

همپیمایی استواری که آنها را در راستایی یگانه پیش می‌برد، باز از کسود انجام و هماهنگی لازم رنج می‌بردند و این در واقع به پرورش و شکل‌گیری شیوه تفکر روزنامه‌نگاران الجزایری (۱۵) برمی‌گردد. در این میان، نشریه‌هایی که نویسندگان آن از تربیت و فرهنگی فرانسوی برخوردار بودند، پیشرفت و ترقی الجزایر را فقط در چارچوب این نوع فرهنگ جستجو می‌کردند. ولی نشریه‌های عرب زبانی که فرهنگ تربیتی بدی داشتند، زنده کردن شخصیت الجزایر را در گرو زنده کردن فرهنگ ملی و ترویج زبان عربی تلقی می‌کردند.

با توجه به همین روند بود که مطبوعات فرانسوی زبان الجزایر به دگرگونی فکری و سیاسی جامه الجزایر توجه بیشتری نشان می‌دادند. در حالی که نشریه‌های عربی زبان، سعی خود را در جهت پرداختن به مسایل اجتماعی و مذهبی به کار می‌بردند. با این همه مطبوعات الجزایر (چه عربی زبان و چه فرانسوی زبان) توانستند وضوحیت سیاسی-اجتماعی و مذهبی مردم را در فاصله بین دو جنگ ترسیم کنند. با وجود تضادهای موجود بین این دو نوع نشریه، توانستند شرایط زندگی مردم را در

فاصله بین سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹ به خوبی منعکس کنند. همچنین توانستند پیوند دو تمدن «اسلامی و غربی» و کشمکش و تضاد حاصل از آن را که بر زندگی مردم تأثیر بسزایی بخشیده بود، ترسیم کنند.

دوم

افکار عمومی الجزایر پس از جنگ، شروع به دریافت عوارض ناشی از آن کرد؛ به ویژه پس از رخدادهای سیاسی شمال آفریقا که شکست ۱۹۴۰ فرانسه، و برخورد نیروهای همپیمان در جنگ، جهت غلبه کردن بر شمال آفریقا از اتفاقاتی مهم آن به شمار می‌رود.

از رخدادهای دیگر این دوره، پایان گرفتن برخوردها و پیاده شدن نیروهای همپیمان در شمال آفریقا، شکست آلمان نازی در جنگ، ورود امریکا در عرصه سیاست جهانی و به دنبال آن تقسیم شدن جهان به دو اردوگاه کاپیتالیسم و سوسیالیسم بود. نتیجه این اتفاقها ضعیف شدن نظام استعماری حاکم بر الجزایر بود. در مستعمرات دیگر نیز وضوح مشابهی به چشم می‌خورد که گسترده شدن جنبشهای آزادی خواهانه، از نخستین تأثیرات آن به شمار می‌آید. در الجزایر این دوران با آشکار شدن مبارزات سیاسی، گسترده‌گی فعالیت گروهها و آشکار شدن حزبهای جدید مثل حزب «انصار البیان» همراه بود. این احزاب صرف نظر از اختلافهای موجود در بدست آوری استقلال الجزایر، همدل و هم سخن بودند. متنها برخی از احزاب و جمعیتها، استقلال را همراه با خودمختاری کامل در نظر داشتند، مانند «فرحت عباس» و «انصارانیان» که از هواداران استقلال کامل بودند و برخی دیگر که خواهان استقلال به صورت فدرالی (۱۶) بودند. رهبری این گروه را «مصالحی الحاج» به عهده داشت.

بازتاب این رخدادهای بر افکار عمومی الجزایر که بتدریج آگاهی سیاسی بیشتری پیدا می‌کرد، موجب افزایش روشنفکران، به ویژه روشنفکرانی که متأثر از فرهنگ بومی خود بودند، شد. از طرف



الجدید
تأسیس در ۱۳۰۱ هـ ق
مقره: ۱۱ رجب ۱۳۰۱ هـ ق
تلفن: ۱۱۱۱
تاریخ: ۱۱ رجب ۱۳۰۱ هـ ق

الجدید
تأسیس در ۱۳۰۱ هـ ق
مقره: ۱۱ رجب ۱۳۰۱ هـ ق
تلفن: ۱۱۱۱
تاریخ: ۱۱ رجب ۱۳۰۱ هـ ق

یگر، مدرسه های «جمیعة النساء» در طول این مدت نتوانستند تعداد قابل توجهی از فارغ التحصیلان جزایری را که در جنگ جهانی دوم دوشادوش برانسه می جنگیده تحریر دهند. همین فارغ التحصیلان بودند که توانستند تجربه های به دست آمده در طول این مدت را به جامعه الجزایر منتقل کنند.

رخدادهای سیاسی و اجتماعی پیش گفته، تأثیرات قابل توجهی بر مطبوعات الجزایر به جای گذاشت که برمی شماریم:

- ۱- مطبوعات توانستند موضع گیریهای صریح روشنی از اوضاع و جریانات سیاسی داشته باشند.
- ۲- مطبوعات توانستند سطح چاپ صفحه آرایه کیفیت مطالب را به شکل چشمگیری بالا ببرند.
- ۳- در فاصله بین دو جنگ، بیش از ۳۰ نشریه در الجزایر منتشر می شد. بعد از جنگ جهانی دوم این رقم به شدت کاهش یافت ولی تأثیر همین کمیت محدود، از تأثیر آن کمیت بالا در فاصله بین دو جنگ بیشتر بود.

۴- در انتشار نظم بیشتری پیدا کردند و این به موجب اتکا به سازمان یا حزب بخصوص بود که از همه نظر آنها راپشتیبانی می کرد. اتکا به جمعیت مخصوص باعث آن می شد که نشریه از چارچوب خود منحرف نشود و مسیر خود را حفظ کند.

در اینجا به چند حزب و جنبش سیاسی، همراه با نشریه هایی که منتشر می کردند، اشاره ای می توانیم کرد.

الف - جنبش انصار البیان: این جنبش به رهبری فرحت عباس، پا گرفت و فعالیت خود را با انتشار مجله «المساواة» در مارس ۱۹۴۴ آغاز کرد. این نشریه هدف این جنبش را، که همانا برابری میان فرانسویها و الجزایریها بود، دنبال می کرد. این نشریه پس از بازداشت فرحت عباس و سایر وطن پرستان الجزایری که به دنبال کشتار قسنطبه در ۱۹۴۵ روی داد، توقیف شد.

فرحت عباس در اکتبر ۱۹۴۵ همراه با زندانیان سیاسی دیگری، پس از صدور عفوقومی از زندان آزاد شد. وی پس از آزادی، حزب جدیدی را به نام «حزب الاتحاد الديمقراطي لانصار البیان الجزایری» پایه گذاشت. مرادنامه این حزب بر اساسنامه حزب پیشین استوار بود. این حزب، اقدام به انتشار نشریه جدیدی به نام «الجمهورية الجزائرية» در تاریخ مارس ۱۹۴۶ کرد. این نشریه، آرمانهای حزب را با صراحتی بی سابقه به چاپ می رسانید. همچنین طرحها و پروژه های که فرحت عباس

(تئوریسین حزب مطرح می ساخت، از همین کاتال به اطلاع هواداران می رسید.

ب - جنبش انصار الحریات الديمقراطية: هنگامی که «مصالحی الحاج» در اکتبر ۱۹۴۶ از بازداشت آزاد شد، بلافاصله به فکر تجدید سازمان حزب منحل شده اش افتاد. این حزب پس از تجدید سازمان به حزب «انصار الحریات الديمقراطية» تغییر نام داد. مهمترین نشریه هایی که این حزب در طول حیاتش منتشر کرد، عبارتند از:

۱- هفته نامه المغرب العربي: این نشریه به زبان عربی و از ژوئن ۱۹۴۷ تا پایان سال ۱۹۴۹ منتشر می شد. پاره ای از ویژه نامه های این نشریه به زبان فرانسوی منتشر می شد.

۲- السنار: که به صورت هر دو هفته یک بار منتشر می شد. مدت انتشار آن از مارس ۱۹۵۱ تا نوامبر ۱۹۵۳ طول کشید «السنار» ظاهراً مستقل از حزب عمل می کرد، ولی در واقع وابسته به آن بود. این نشریه در سال ۱۹۵۳ از حزب کناره گرفت و در نتیجه انتشار آن متوقف شد.

۳- ماهنامه الامة الجزائرية: به زبان فرانسوی و از تاریخ ژوئیه ۱۹۴۶ تا اکتبر ۱۹۴۸ منتشر می شد. هدف این نشریه، استقلال الجزایر از فرانسه بود.

۴- الجزایر الحرة: این نشریه ابتدا به صورت هر دو هفته یک بار منتشر می شد و پس از مدتی به صورت هفته نامه، انتشار یافت. این نشریه به زبان فرانسوی و از تاریخ آگوست ۱۹۴۹ تا نوامبر ۱۹۵۴ منتشر می شد. در سال ۱۹۵۴ هنگامی که حزب «انصار الحریات» منحل شد، پیروان مصالحی الحاج این نشریه را به عنوان سخنگوی خود برگزیدند، اما سانسورلیتها، نشریه «الامة الجزائرية» را از گان خود قرار دادند.

ج - جمیة النساء: نشریه البصائر که سخنگوی این انجمن بود، در طول جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ تا ۱۹۴۴) منتشر شد. پس از مدتی وقفه در سال ۱۹۴۷ مجدداً منتشر شد و تا مارس ۱۹۵۶ انتشار آن ادامه یافت. این نشریه به علت چاپ اعلامیه جمیة النساء مبنی بر حمایت از جریان انقلاب، توقیف و تعطیل شد.

د - الحزب الشیوعی الجزایری: این حزب، هفته نامه «الجی رینیکان» را منتشر می کرد که پس از مدتی تبدیل به روزنامه شد دولت فرانسه، پس از پیوستن اعضای این حزب به انقلاب این روزنامه را توقیف و تعطیل کرد.

مأخذ: الصحافة العربية في الجزائر

پانویشتها

۱- در نامه ای که ستاد مرکزی فرانسه به شاهزاده پوپلیاک نوشته است، روش وضع نشریه چنین توضیح داده شده است. نشریه ما در تولید، حاصل ویا پاریس منتشر نمی شود، بلکه در آفریقا است که نوشته، چاپ و توزیع می شود و به هزینه گان ما در صدهای جنگ می رسد و همین سبب است که اخبار داسی منتشر می کند. مدیریت این نشریه شامل:

- ۱- بخش اول که شامل اخبار جنگ و بحثنامه های دولتی است.
 - ۲- گزارشهای مصرعته با اسناد تاریخی.
 - ۳- اطلاعاتی از مردم منتهی به بزرگس و کد و رزی منصفه.
 - ۴- مقاله های گوناگون از محصولات «زندگی در جنگ».
- در این گزارش، صاحبان نامه است که «برهه الجزایر» هفته ای دو بار منتشر می شود و پس اشتراک آن ۱۵ فرانک برای هر سه است. این مبلغ برای خارج از کشور به ۱۸ فرانک افزایش می یابد.

۲- گروه الجزایر آن را «صناعات النخبة» می نامید.

۳- تاریخ نگاران، مقاومت منی الجزایر را به دوره هایی چند تقسیم کرده اند.

۴- پاره ای از نشریات، دارای عنوان فرمی نیز بودند.

۵- مطایفة تنساف، از مطایفه های مشهوره فرانسه است.

۶- جنبش جوانان الجزایر.

۷- محور لژ سنان قرضه، همان کشورهای مصرخوش - الجزایر - مراکش و تونس است.

۸- با «انجمن دانشوران»

۹- پیش از این گفت بودیم که بیشتر روشنفکران الجزایر، نسبت و تربیت خود را در مدرسه های فرانسوی گمراهه بودند.

۱۰- ادغام فرانسه و الجزایر به منظور تشکیل یک قلمرو واحد.

۱۱- همان گونه که اشاره شد، پاره ای از مصوبات دارای عنوانهای فرمی نیز بودند یا اینکه در یک دوره زمانی چند عنوان، عوض می کردند.

۱۲- که موافق سیاست ادغام فرانسه و الجزایر بود.

۱۳- سنون امیر جوانان الجزایر

۱۴- مثلاً مجله الشباب، ۲۰۰۰ نفر مشترک برای خرید داشت و نشریه البصائر در ۵۰۰۰ نسخه توزیع می شد و البته عدد اشتراک با عدد شماره های توزیع و حتی عدد تیراژ نداشتند و اقمی خوانندگان هر نشریه به شمار نمی رود. چرا که در آن سطح خرید منصفه یا روزنامه به عنوان یک اهانه مطرح بود و یا اینکه انگیزه ای برای تشویق هشت تحریریه آن نشریه به شمار می آمد.

۱۵- روزنامه نگاران مانند دیگر شهروندان الجزایری، برخی دارای فرهنگ بی و برخی دارای تربیت و فرهنگ فرانسوی بودند که الهام گرفته از فرهنگ فرمی بود.

۱۶- همین صورت که الجزایر جزئی از خاک فرانسه باشد ولی به صورت یک ایالت مستقل بی به صورت فعلی اداره شود.